

پیشاپیش

کتاب از نشر نگاه معاصر

اخلاق عرفانی عطار نیشابوری

مبانی، نظام مندی و نظریه اخلاقی • حسن مهدی پور



اخلاق عرفانی عطار نیشابوری

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

سرشناسه	: مهدی پور، حسن، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: اخلاق عرفانی عطار نیشابوری: مبانی، نظام مندی و نظریه اخلاقی / حسن مهدی پور.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۲ ص: ۵/۲۱×۴/۵ س.م.
شابک	: 978-622-6189-37-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: عطار، محمد بن ابراهیم، ۵۳۷؟-۶۲۷؟ ق - عرفان.
موضوع	: Attar, Farid al-Din, d. ca. 1230 - Criticism and Interpretation :
موضوع	: عطار، محمد بن ابراهیم، ۵۳۷؟-۶۲۷؟ ق - نقد و تفسیر.
موضوع	: Attar, Farid al-Din, d. ca. 1230 - Criticism and Interpretation :
موضوع	: عرفان در ادبیات.
موضوع	: Mysticism in Literature :
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۶ ق. - تاریخ و نقد.
موضوع	: Persian Poetry - 12th Century - History and Criticism :
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ م ۴۹۵۵۷/۵ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۱۱/۲۳ فا
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۳۷۳۰۶

اخلاق عرفانی عطار نیشابوری

مبانی، نظام مندی و نظریه اخلاقی

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

حسن مهدی پور

اخلاق عرفانی عطار نیشابوری

مبانی، نظام‌مندی و نظریه اخلاقی

حسن مهدی‌پور

عضو هیأت علمی پژوهشکده

امام خمینی و انقلاب اسلامی

نگارخانه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم رسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: نادر

نویت چاپ: یکم، ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۵۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۹-۳۷-۸

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com / nashr_negahemoaser ©

تقدیم به برادرانم شهروز و شهرام
جلوه‌های اخلاق اخوت در زندگی من

فهرست

۱۳	پیشگفتار
۱۵	مقدمه

بخش اول

مبانی اخلاق عرفانی عطار (۳۱)

۳۳	فصل اول: مبانی خداشناختی اخلاق عرفانی عطار
۳۴	مقدمه: تصورات خدا و لوازم اخلاقی آن
۳۶	مبانی خداشناختی اخلاق عرفانی عطار؛ تصورات سه‌گانه از خدا
۳۶	۱. خدای فوق «تشخص و عدم تشخص»
۳۹	۲. خدای متمشخص
۳۹	۱.۲. اوصاف ناانسان‌وار
۴۱	۲.۲. اوصاف انسان‌وار
۴۳	۳. خدای نامتشخص
۴۵	نظریه خداشناسی عطار
۴۶	لوازم اخلاقی نظریه خداشناسی عطار
۵۱	وظیفه اخلاقی در برابر خدا؛ بندگی و ادب
۶۳	فصل دوم: مبانی انسان‌شناختی اخلاق عرفانی عطار
۶۳	مقدمه: مبانی انسان‌شناختی اخلاق
۶۷	مبانی انسان‌شناختی اخلاق عرفانی عطار

۱. حقیقت انسان و مراتب او ۶۷
- ۱.۱. ویژگی‌های مراتب انسان ۶۹
۲. طبیعت اخلاقی و تربیت‌پذیری انسان ۷۷
۳. کمال و سعادت انسان ۸۱
- ۱.۳. کمال‌گرایی موجودات ۸۱
- ۲.۳. ارتباط انسان با خدا و غایت خلقت انسان ۸۳
- ۳.۳. خدا، ارزش غایی و مطلوب ذاتی انسان ۸۷
- ۴.۳. سعادت اخروی ۹۹
- ۵.۳. ذمّ دنیاطلبی ۱۰۴
- ۶.۳. خدای متشخص و نامتشخص؛ غایت سلوک عرفانی ۱۱۲
۴. طریق تحصیل کمال و تقرب الهی ۱۱۵
- ۱.۴. مقدمات و شرایط سلوک ۱۱۶
- ۲.۴. سیرانفسی تحصیل کمال و تقرب الهی ۱۲۲
- ۳.۴. پایان‌ناپذیری سلوک عرفانی ۱۳۰
- ۴.۴. مراتب سالکان ۱۳۳
۵. جبر و اختیار ۱۳۸
- ۱.۵. قضا و قدر الهی ۱۴۰
- ۲.۵. کشش و کوشش در سلوک ۱۴۵
- ۳.۵. لوازم اخلاقی قضا و قدر الهی و جبرگرایی ۷

بخش دوم

نظام اخلاق عرفانی عطار (۲۱۳)

- فصل اول: نظام‌مندسازی اخلاق عرفانی عطار ۲۱۵
۱. ارتباط انسان با خدا ۲۱۶
- ۱.۱. ساحت عقیدتی - معرفتی ۲۱۶
- فضایل ۲۱۶
۱. ذکر ۲۱۶
۲. شکر ۲۱۸
۳. فنا ۲۱۹
۴. توحید ۲۲۶

۲۲۸.....	رذیلت
۲۲۸.....	شرک
۲۳۰.....	۲.۱. ساحت احساسی و عاطفی
۲۳۰.....	فضایل
۲۳۰.....	۱. عشق حق
۲۳۴.....	۲. امید (رجا)
۲۳۷.....	۳. بیم (خوف)
۲۴۰.....	خوف و رجا
۲۴۲.....	۴. زهد
۲۴۶.....	۵. توکل
۲۴۹.....	۶. بلاپذیری
۲۵۴.....	۷. صبر
۲۵۷.....	۸. رضا
۲۶۱.....	۳.۱. ساحت ارادی
۲۶۱.....	فضایل
۲۶۱.....	۱. طلب
۲۶۵.....	۲. اخلاص
۲۶۷.....	۳. توبه
۲۶۹.....	۴. تسلیم
۲۷۲.....	۲. ارتباط انسان با خود
۲۷۲.....	۱.۲. ساحت عقیدتی - معرفتی
۲۷۲.....	فضیلت
۲۷۲.....	عزت نفس
۲۷۴.....	رذایل
۲۷۴.....	۱. خودبینی (انانیت)
۲۷۷.....	۲. غرور
۲۸۰.....	۲.۲. ساحت احساسی و عاطفی
۲۸۰.....	فضایل
۲۸۰.....	۱. همت عالی
۲۸۱.....	۲. قناعت

- ۲۸۴..... ۳. استغناء از خلق
- ۲۸۶..... ۴. بی‌اعتنایی به ردّ و قبول خلق
- ۲۸۸..... رذایل
- ۲۸۸..... ۱. خوددوستی (حبّ ذات)
- ۲۸۹..... ۲. دون‌همتی
- ۲۹۰..... ۳. عُجب
- ۲۹۱..... ۴. حرص
- ۲۹۵..... ۵. بخل
- ۲۹۶..... ۶. جاه‌طلبی
- ۲۹۷..... ۷. دل‌بستن به ردّ و قبول خلق
- ۲۹۸..... ۳.۲. ساخت گفتار
- ۲۹۸..... سکوت و خموشی
- ۳۰۲..... ۳. ارتباط انسان با انسان‌های دیگر
- ۳۰۲..... ۱.۳. ساخت عقیدتی
- ۳۰۲..... فضایل
- ۳۰۲..... ۱. یکسان‌نگری
- ۳۰۴..... ۲. انصاف
- ۳۰۵..... ۳. حرمت قائل شدن برای دیگران
- ۳۰۶..... ۴. تواضع
- ۳۰۸..... ۵. حُسن ظنّ (خوش‌بینی) به دیگران
- ۳۱۰..... رذیلت
- ۳۱۲..... کبر
- ۳۱۲..... ۲.۳. ساخت احساسی و عاطفی
- ۳۱۲..... فضایل
- ۳۱۲..... ۱. شفقت و رحمت
- ۳۱۳..... ۲. خیرخواهی
- ۳۱۶..... ۳. حلم
- ۳۱۸..... ۴. بخشایش
- ۳۲۰..... رذیلت
- ۳۲۰..... حسادت

۳۲۲	۳.۳. ساحت ارادی.....
۳۲۲	ریا.....
۳۲۵	۴.۳. ساحت کردار.....
۳۲۵	فضایل.....
۳۲۵	۱. سخاوت.....
۳۲۷	۲. عدالت.....
۳۲۹	رذیلت.....
۳۲۹	ظلم.....
۳۳۲	۵.۳. ساحت گفتار.....
۳۳۴	۴. ارتباط انسان با حیوانات.....

۴۱۵	فصل دوم: تحلیل نظام اخلاق عرفانی عطار.....
۴۱۵	۱. نظام‌مندی اخلاق عرفانی.....
۴۱۸	۱.۱. تحلیل نظام اخلاق عرفانی از حیث ساحت پنج‌گانه.....
۴۲۲	۲.۱. تحلیل نظام اخلاقی عرفانی از حیث روابط چهارگانه.....
۴۲۳	۲. سازگاری یا ناسازگاری فضایل یا رذایل اخلاقی.....
۴۲۶	۳. دوگانگی اخلاق عرفانی عطار.....

بخش سوم

نظریه اخلاق هنجاری اخلاق عرفانی عطار (۴۳۷)

۴۳۹	مقدمه: انواع نظریات اخلاق هنجاری.....
۴۴۲	نظریه اخلاق هنجاری اخلاق عرفانی عطار.....
۴۴۳	۱. غایت‌انگاری (یا نتیجه‌گرایی).....
۴۴۴	۲. نانتیجه‌گرایی.....
۴۴۶	۳. وظیفه‌گرایی: نظریه امر الهی (حُسن و قبح شرعی).....
۴۵۱	۴. فضیلت‌گرایی.....
۴۵۵	۵. ناسازگاری نظریات اخلاقی در اخلاق هنجاری عطار.....
۴۵۷	۶. نظریه تلفیقی از مفاهیم فضیلت، غایت و وظیفه.....
۴۶۰	ماهیت مفاهیم و احکام اخلاقی در اخلاق عطار.....

۴۷۵	□ مآخذ.....
-----	-------------

پیشگفتار

پژوهش حاضر بخشی از رساله دکتری نویسنده است که در سال ۱۳۹۲ در گروه عرفان اسلامی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی دفاع شده است و البته اندکی بازنگری در برخی مطالب آن همراه با افزوده‌هایی صورت گرفته است، به ویژه بخش پایانی آن بخش جدیدی است که بدان افزوده شده است. این نوشتار تلاشی است برای ارائه تصویری از اخلاق عرفانی عطار نیشابوری که مشتمل بر سه ضلع مبانی، نظام فضایل و رذایل و نظریه اخلاق هنجاری است. البته مقصود اصلی این پژوهش در واقع نظام‌مندسازی اخلاق عرفانی عطار است که مبتنی بر روابط چهارگانه انسان یعنی ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با انسان‌های دیگر و ارتباط با طبیعت پیرامونی و ساحات پنج‌گانه عقیدتی، احساسی و عاطفی، ارادی، گفتار و کردار صورت گرفته است و در مقدمه درباره این روش بحث خواهد شد. براساس این روش تلاش می‌شود روابط علی میان فضایل یا رذایل یا تقدّم و تأخّر آنها در اخلاق عرفانی عطار آشکار شود. اما از آن جایی که اخلاق عرفانی اصالتاً نظریه رابطه انسان با خداست لازم دیدیم پیش از بحث اصلی یعنی نظام‌مندسازی اخلاق عرفانی عطار، به مبانی خداشناختی و انسان‌شناختی اخلاق عرفانی وی بپردازیم که مقدمه ضروری ورود به مباحث اخلاق عرفانی تشخیص داده شده است. همچنین در بخش آخر به بحث درباره نظریه اخلاق هنجاری عطار پرداختیم که در واقع برآمده از مبانی و نظام‌مندی اخلاق عرفانی اوست. در پایان بر خود لازم می‌دانم احساس حق‌شناسی و قدرشناسی خود را نسبت به اساتیدی ابراز دارم که مرا در انجام این پژوهش با راهنمایی‌ها، مشاوره‌ها، نکته‌سنجی‌های دقیق و علمی و نظرات اصلاحی خود یاری رساندند و برای همه آن بزرگواران از خداوند مَنان طول عمر همراه با سلامتی و توفیقات الهی به ویژه در عرصه علمی مسألت دارم. از جناب آقای دکتر سید

محمود یوسف‌ثانی در مقام استاد راهنمای اینجانب بسیار سپاسگزارم که با دقت نظرهای موشکافانه‌شان هدایتگر من در انجام این پژوهش بودند. قدردان اساتید مشاورم در این پژوهش سرکار خانم دکتر فاطمه طباطبائی و جناب آقای دکتر علی اکبر عبدالآبادی هستم که نکاتی سازنده را برای بهتر شدن پژوهش حاضر متذکر اینجانب شدند. هم‌چنین، شایسته است از مساعدت‌های بی‌شائبه استاد فرزانه جناب آقای مصطفی ملکیان یاد کرده و احساس تشکر و قدردانی خود را نسبت به ایشان ابراز کنم که طرح نظام‌مندی اخلاق بر اساس الگوی پیشنهادی در این پژوهش به طور کلی از ایشان بوده است و بی‌هیچ چشمداشتی اجازه دادند تا جلساتی را برای تبیین موضوعات مرتبط با این طرح و پاسخ به سؤالات پیش آمده درباره آن مصدع باشم. هم‌چنین ایشان با بزرگ‌منشی خود بر اینجانب منت نهادند و علی‌رغم اشتغالات فراوان متن حاضر را مطالعه کرده و متذکر نکاتی اصلاحی شدند که تا حد بضاعت علمی خود و ظرفیت این پژوهش سعی کردم به برخی از آنها اهتمام ورزم. خداوند را شاکرم که افتخار شاگردی همه این اساتید فرهیخته را نصیب من کرده است.

هم‌چنین از همسر من که همیشه مشوق بنده است و با محبت گرمابخش خود فضای آرامی برای فعالیت‌های علمی‌ام فراهم می‌سازد از صمیم قلب سپاسگزارم.

در پایان از مدیریت محترم نشر نگاه معاصر، جناب آقای اکبر قنبری، که چاپ این اثر را تقبل فرمودند، کمال تشکر را دارم و برای ایشان و همکارانشان در مجموعه نگاه معاصر آرزوی توفیق دارم.

مقدمه

تخلّق به اخلاق عرفانی را از شروط ضروری وصول به غایت عرفان یعنی قرب الهی دانسته‌اند. چنین اخلاقی در عرفان عملی یا سیر و سلوک و مجاهدت و تهذیب نفس تحقق پیدا می‌کند که در طی آن هم باید درون انسان آراسته به فضایل و پیراسته از رذایل شود و هم در بیرون افعال درست و بایسته از او صادر شود و هم افعال نادرست و نبایسته از او صادر نشود، البته، افعال ظاهری در واقع ظهور فضایل یا رذایل باطنی هستند. به این دلیل عرفا در آثار خود بدان فضایل و افعال بایسته توصیه کرده و از آن رذایل و افعال نبایسته تحذیر می‌کنند. از این رو اخلاق عرفانی به عنوان یکی از اقسام اخلاق هنجاری، مشتمل بر مجموعه‌ای از توصیه‌ها و تحذیرها هم ناظر به افعال جوارحی و بیرونی و هم ناظر به افعال جوانحی و درونی است. اگر بدین توصیه‌ها که موضوع آن‌ها فضایل و رذایل است، به دقت نظر شود، مشاهده می‌شود تمامی آن‌ها ناظر به یکی از روابط چهارگانه انسان، یعنی رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با انسان‌های دیگر و رابطه انسان با موجودات دیگر و طبیعت است. اصولاً هر فعلی که انسان به صورت متعارف انجام می‌دهد ناظر به یکی از این روابط است. از طرف دیگر، تأمل در هر یک از توصیه‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر تنوع در متعلّق رابطه، فاعل فعل اخلاقی نیز از حیث ساحات مختلف وجودی یا منش و شخصیتش تنوع پیدا می‌کند. ساحات مختلف وجود انسان را استقرائاً می‌توان به پنج ساحت عقیدتی - معرفتی، احساسی و عاطفی، ارادی (سه ساحت درونی) و گفتاری و کرداری (دو ساحت بیرونی) تقسیم کرد و انسان در هر لحظه در حال انجام دادن فعلی است که به یکی از این ساحات مربوط است. هیچ‌یک از توصیه‌ها یا تحذیرها نیست که ناظر به یکی از این ساحات وجود انسان نباشد. از آن جایی که هر یک از آنها از حیث متعلّق رابطه به یکی از روابط چهارگانه و از حیث طرف ارتباط یا فاعل به

یکی از ساحات پنج‌گانه مربوط است، برای مجموعه توصیه‌ها و تحذیرها بیست حالت را می‌توان مفروض گرفت و هیچ‌یک از آنها نیست که در ذیل یکی از آن حالات نگنجد.

از آن جایی که این توصیه‌ها و تحذیرها هم از حیث روابط و هم از حیث ساحات وجودی انسان تنوع پیدا می‌کند، اگر کسی بخواهد براساس اخلاق عرفانی زندگی کند ضروری است بداند آیا میان این توصیه‌ها و تحذیرها هیچ ارتباط طولی و علی یا تقدّم و تأخّری وجود دارد یا آن‌ها مستقل از یکدیگر و در عرض هم هستند؟ اگر مستقل از یکدیگر باشند، وی می‌تواند هر یک را به طور جداگانه در خود تحقّق بخشد ولی اگر آن‌ها مستقل از یکدیگر نبوده و رابطه تقدّم و تأخّری با هم داشته باشند، به گونه‌ای که نتوان فضیلتی را قبل از آراسته شدن به فضیلت دیگری، کسب کرد یا رذیلتی را پیش از پیراسته شدن از رذیلت دیگری از خود دفع کرد، ابتدا باید دانست چه ارتباطی میان توصیه‌ها و تحذیرهای اخلاقی از حیث روابط و از حیث ساحات وجود دارد؟ توصیه‌ها و تحذیرهای ناظر به کدام رابطه و کدام ساحت اهمیت بیشتری داشته و بر روابط و ساحات دیگر تقدّم دارند؟ از این رو، ضروری است توصیه‌ها و تحذیرهای اخلاقی را در عرفان براساس الگوی بیان‌شده نظام‌مند کرد و به روابط میانشان پی برد چون می‌توان وجود چنین ارتباطی را مفروض دانست و اگر این فرض درستی باشد کارآمدی تعلیم و تربیت اخلاقی مشروط به لحاظ این ارتباط است.

برای حصول این مقصود اگر مجموعه توصیه‌های اخلاق عرفانی را در ذیل هر یک از اقسام بیست‌گانه مذکور طبقه‌بندی کنیم، می‌توان یک نظام برای اخلاق عرفانی عرضه کرد و براساس آن فهمید که از حیث متعلّق رابطه، توصیه‌های اخلاقی بیشتر بر کدام رابطه از روابط چهارگانه تأکید دارد و از حیث ساحات مختلف، این توصیه‌ها ناظر به کدام ساحت از ساحات وجودی انسان است. هم‌چنین، می‌توان فهمید که در میان روابط و ساحات مختلف کدام رابطه و ساحت بر روابط و ساحات دیگر تقدّم دارد و در نتیجه می‌توان پی برد که بنیادی‌ترین فضیلت و بنیادی‌ترین رذیلت در اخلاق عرفانی چیست. بدین ترتیب، اخلاق عرفانی نظام‌مند می‌شود.

طرح فوق را می‌توان برای نظام‌مندسازی اخلاق عرفانی هر عارفی به کار برد و در این پژوهش سعی بر این است که این طرح برای نظام‌مندسازی اخلاق عرفانی عطار نیشابوری استعمال شود که با رجوع به آثار عطار نیشابوری - منطق الطیر، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، اسرارنامه، مختارنامه و دیوان - مشاهده می‌شود که تلاش بسیاری می‌ورزد تا مخاطبانش را متوجه زندگی اخلاقی عرفانی با محوریت بندگی خدا کند که با آن قرب الهی حاصل می‌شود. آثار عطار، به ویژه منطق الطیر، که در آن به بیان فضایل یا رذایل اخلاقی و چگونگی آراستگی به فضایل و

پیراستگی از رذایل می‌پردازد، در واقع طرح و برنامه‌ای برای تحصیل این مقصود است. شاید یکی از راه‌های حصول آن مقصود نشان دادن نظام‌مندی آن فضایل یا رذایل به روش مذکور باشد.

بخش‌های پژوهش و روش طرح مباحث در هر بخش

این پژوهش، پس از مقدمه، مشتمل بر سه بخش است. در بخش اول از مبانی اخلاق عرفانی، در بخش دوم از نظام‌مندی فضایل و رذایل اخلاق عرفانی و در بخش سوم نظریه اخلاق هنجاری بحث می‌شود.

بخش اول ناظر به مبانی خداشناختی و انسان‌شناختی اخلاق عرفانی عطار است و دلیل توجه به مبانی یادشده آن است که اساساً اخلاق و سلوک عرفانی تبیین‌کننده رابطه انسان با خدا بوده و هدف تمام توصیه‌ها و تحذیرهای آن مستقیم و غیرمستقیم تنظیم صحیح این ارتباط است، به ویژه آنکه تمام توصیه‌های اخلاقی در عرفان ریشه در این مبانی دارند.

با توجه به اینکه اخلاق عرفانی اصالتاً مبتنی بر رابطه انسان با خداست و سایر روابط از فروعات آن هستند، با هر تصویری از خدا امکان رابطه اخلاقی و هم چنین شعاعی وجود ندارد و این ارتباط مستلزم وجود دو وصف تشخص و انسان‌وارگی در خداست. در فصل مبانی خداشناختی سعی بر این است تا معلوم شود عطار اولاً چه تصویری یا تصوّراتی از خدا ارائه می‌کند و چه اوصافی برای او برمی‌شمارد و ثانیاً آیا با چنین خدایی می‌توان رابطه اخلاقی و شعاعی برقرار کرد یا نه اگر چندین تصوّر از خدا ارائه می‌کند با کدام یک از آن‌ها برقراری چنین رابطه‌ای امکان‌پذیر است؟ برای فهم این مسأله در اندیشه عرفانی عطار، ناچار بودیم که با رجوع به مجموعه آثار او اوصافی را که برای خدا برمی‌شمارد، بررسی کنیم و از این طریق به مفهوم مورد نظر او از خدا نزدیک شویم.

در فصل مبانی انسان‌شناختی اخلاق عرفانی پس از مطالعه برخی از آثار در حوزه اخلاق مشاهده شد پنج موضوع وجود دارد که مبانی انسان‌شناختی هر نظام اخلاقی مستقیم یا غیر مستقیم ناظر بدان‌هاست و موضع آن‌ها در قبال این موضوعات نشان‌دهنده نظر آن‌ها درباره امکان اخلاقی زیستن انسان‌ها است. این موضوعات عبارت‌اند از: حقیقت انسان و مراتب او؛ طبیعت اخلاقی انسان؛ تغییر و تربیت‌پذیری انسان؛ کمال و سعادت انسان و طریق تحصیل آن؛ جبر و اختیار. در مقدمه این بخش به نظریات مختلف درباره هر یک از این موضوعات اشاره کردیم. ما نیز همین موضوعات را برای فهم مبانی انسان‌شناختی اخلاق عرفانی عطار برگزیدیم و سعی کردیم نشان دهیم آراء عطار و امام با کدام یک از نظریات مذکور مطابق یا نزدیک است.

بخش دوم که موضوع اصلی این نوشتار است، دربارهٔ نظام‌مندی فضایل و رذایل در اخلاق عرفانی عطار است. این بخش به دو فصل تقسیم می‌شود، یکی دسته‌بندی و شرح فضایل و رذایل برحسب الگوی بیان‌شده و دیگری تحلیل نظام اخلاق عرفانی عطار. در فصل اول، فضایل و رذایل اخلاقی را ابتدا براساس روابط چهارگانه و سپس در ذیل هر رابطه براساس ساحات پنج‌گانه توزیع می‌کنیم که مشتمل بر یک نظام بیست قسمی است. لازم به ذکر است آنچه در اینجا به فضایل و رذایل تعبیر می‌کنیم معنای خاص آن‌ها چنان‌که در اخلاق فضیلت‌گرا اراده می‌شود نیست، بلکه معنای عامی از آن‌هاست، یعنی هر عقیده یا احساس و عاطفه یا خواسته و تصمیم یا گفتار و کرداری که عطار اخلاقاً دربارهٔ آن‌ها ارزش‌دوری مثبت یا منفی کرده و در نتیجه بدان‌ها توصیه یا از آن‌ها تحذیر می‌کنند. از آن جایی که غالباً و به ویژه در اخلاق عرفانی، رابطهٔ انسان با خدا مقدم بر سایر روابط است و پس از آن رابطهٔ انسان با خود بر رابطهٔ انسان با انسان‌های دیگر تقدم دارد، فضایل یا رذایل را ناظر به همین ترتیب دسته‌بندی کردیم. چون در نگاه اولیه، ساحت عقیدتی مقدم بر ساحت احساسی و عاطفی و این ساحت مقدم بر ساحت ارادی است و دو ساحت گفتار و کردار هم ظهور خارجی آن‌ها هستند، در ذیل هر رابطه دسته‌بندی فضایل یا رذایل را براساس همین ترتیب ساحات انجام می‌دهیم. البته، دسته‌بندی فضایل یا رذایل در ذیل هر یک از روابط و ساحات یکسان نیست، ممکن است برخی از روابط یا ساحات فضایل یا رذایل بیشتری را شامل باشند و برخی کمتر و هم چنین ممکن است در برخی از این روابط یا ساحات هیچ فضیلت یا رذیلتی وجود نداشته باشد.

لازم به توضیح است تحلیل نهایی فضایل یا رذایل و ترتیب و نظام میان آن‌ها از حیث روابط چهارگانه و ساحات پنج‌گانه در فصل دوم این بخش انجام می‌گیرد، ولی در همین قسمت، دسته‌بندی فضایل یا رذایل لزوماً بر طبق ترتیبشان بر یکدیگر نیست، چه بسا ممکن است به فضیلت یا رذیلتی در ذیل یک رابطه یا ساحتی پرداخته شود که معلول فضیلت یا رذیلت دیگری است که در ذیل ساحات یا روابط دیگر بررسی می‌شود. البته، سعی شده است فضایل یا رذایلی که در ساحات مختلف در ذیل یک رابطه قرار می‌گیرند، در صورت امکان، براساس تقدم و تأخرشان تنظیم شوند، هر چند ممکن است گاهی میان فضایل یا رذایل ساحتی چنین ارتباطی وجود نداشته باشد. نیز ممکن است فضیلت یا رذیلتی ناظر به بیش از یک رابطه یا ساحت باشد؛ از این رو، برای اجتناب از پراکندگی بحث آن را فقط در ذیل رابطه و ساحتی قرار می‌دهیم که عطار یا بر آن تأکید بیشتری دارند یا اهمیت آن در مقایسه با رابطه و ساحات دیگر بیشتر بوده یا مقدم بر آن‌هاست.

در بررسی هر فضیلت یا رذیلت سه کار انجام می‌گیرد، ایضاح مفهومی یا تعریف، حکم یا توصیه ناظر به آنها و شرح خاستگاه‌ها و اسبابشان. در واقع دسته‌بندی فضایل و رذایل مبتنی بر ایضاح مفهومی و تعریفشان است و بر اساس مفاهیمی که در تعریفشان استعمال می‌شود می‌توان فهمید که هر فضیلت یا رذیلت اولاً به کدام رابطه تعلق دارد و ثانیاً ناظر به چه ساحتی از وجود انسان است. در شرح خاستگاه‌ها و اسباب فضایل و رذایل حتی المقدور سعی می‌شود نشان دهیم چگونه فضیلت یا فضایی و رذیلت یا رذایلی منشأ فضیلت یا رذیلتی است، گرچه ممکن است میان خود فضایل و رذایلی که خاستگاه‌های فضیلت یا رذیلتی هستند، همین روابط وجود داشته باشد و برخی خاستگاه برخی دیگر باشند. در تحلیل نهایی این روابط را به صورت دو جدول فضایل و رذایل نشان خواهیم داد.

درباره روش ایضاح مفهومی در اخلاق عرفانی عطار باید گفت وی غالباً در آثار خود فضایل و رذایل را به صورت مستقیم تعریف نمی‌کند بلکه در قالب حکایات و به صورت‌های مختلفی آنها را بیان می‌کند. به همین دلیل برای تحلیل معانی فضایل و رذایل از نظر عطار روشی مشابه روش ایزوتسو در خدا و انسان در قرآن و مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن در پیش می‌گیریم. در این روش مفاهیم قرآنی به صورت منفرد و جدای از هم در نظر گرفته نمی‌شوند بلکه برای درک معنای درستشان مجموعه آن‌ها در ارتباط با یکدیگر و در یک نظام به هم پیوسته لحاظ می‌شوند تا در نتیجه شکل‌گیری یک دستگاه ارتباطی به هم پیوسته معانی آن‌ها حاصل شود. علاوه بر این، سعی می‌شود تا با توجه به شرایط و اوضاع و احوال کاربرد و مصادیق آن مفاهیم و بافت‌هایی که آن مفاهیم در آن‌ها به کار می‌روند، مفاهیم تجزیه و تحلیل شود تا بتوان توصیفی از مقوله معنایی آنها عرضه کرد. بدین‌گونه مفاهیم خودشان را تفسیر و معنا می‌کنند و ساخت معنایی آن‌ها آشکار می‌شود. هم‌چنین، در این نظام معنای برخی مفاهیم اصلی و معنای برخی دیگر وابسته به آن مفاهیم اصلی است. ما هم سعی می‌کنیم تا به معنای اصلی فضایل و رذایل اخلاق عرفانی عطار با گرد هم آوردن تمام اشعاری که وی آن‌ها را در اوضاع و احوال مختلف و در مصادیق گوناگون در حکایاتش به کار می‌گیرد و هم‌چنین با ارتباط برقرار کردن میان مصادیق آن‌ها، دست یابیم. چنان‌که مشاهده خواهد شد برای هر موضوعی ما به اشعار مختلف عطار در آثار گوناگونش استناد می‌کنیم.

نکته دیگر اینکه در دسته‌بندی و شرح فضایل یا رذایل در اخلاق عرفانی عطار به فضایل یا رذایلی پرداختیم که در آثارشان بیشتر بر آن تأکید داشتند، از این رو نمونه‌هایی از فضایل و رذایل را برای نیل به مقصود اصلی نوشتار گزینش و بررسی می‌کنیم. هم‌چنین، با آنکه در مقابل هر فضیلتی، رذیلتی متصور است، روش ما این‌گونه نبود که وقتی فضیلت یا رذیلتی را بیان

کردیم، ردیلت یا فضیلت مقابل آن را نیز بیان کنیم. فقط فضایل و ردایل متقابلی را مطرح کردیم که خود عطار به صورت مجزاً و مفصل بیان کرده است.

در فصل تحلیل نظام اخلاق عرفانی ابتدا تمام فضایل و ردایل دسته‌بندی شده برحسب روابط چهارگانه و ساحات پنج‌گانه را به صورت رابطه علی و سلسله‌وار در دو جدول فضایل و ردایل نشان دادیم تا مشخص شود چه ارتباطی میان آنها وجود دارد. پس از آن به شرح روابط حاکم میان فضایل از حیث ساحات و روابط چهارگانه می‌پردازیم. در پایان هم درباره سازگاری یا ناسازگاری فضایل و ردایل سخن می‌گوییم از این حیث که آیا اتصاف به همه فضایل یا ردایل در آن واحد ممکن است یا برخی از آن‌ها به گونه‌ای هستند که نمی‌توان همراه با سایر فضایل به آنها متصف شد.

در بخش سوم به نظریه اخلاق هنجاری عطار می‌پردازیم و با ارائه اجمالی از نظریات سه‌گانه فضیلت‌گرایی، وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی که در اخلاق هنجاری از آنها سخن می‌رود، با ابتناء بر مبانی و نظام‌مندی اخلاق عرفانی عطار نشان داده‌ایم که اخلاق عرفانی عطار چه نسبتی با هریک از این نظریه‌ها دارد و اساساً آیا با توجه به مبانی خداشناختی و انسان‌شناختی عطار ممکن است اخلاق عرفانی او را در قالب یک نظریه اخلاقی منسجم تبیین کرد و امکان طرح آن در ذیل یکی از آنها وجود دارد و در صورت طرح آن در ذیل هریک از آنها چه لوازمی بر آن مترتب خواهد بود. نشان می‌دهیم که از دل آثار عطار هر سه نظریه اخلاق هنجاری استخراج‌پذیر است، اما این سه نظریه هم با برخی مبانی خداشناختی و انسان‌شناختی اخلاق عرفانی عطار و هم با یکدیگر ناسازگارند و از این رو نمی‌توان اخلاق عرفانی عطار را با ابتناء صرف بر یکی از آنها توضیح داد. البته سعی شد یک نظریه تلفیقی از آنها در ذیل فضیلت‌گرایی اخلاقی پیشنهاد شود. هم‌چنین در انتهای این بخش هم به بحث از ماهیت مفاهیم و احکام اخلاقی در اخلاق عرفانی عطار می‌پردازیم.

در پایان لازم است بدین نکته اشاره شود که ما در تمام بخش‌های مذکور برای پیشبرد بحث‌ها حتی الامکان از همان مباحث و آراء خاص عطار استفاده کردیم، اما برای تکمیل و تبیین بهتر بحث‌ها در پی نوشت‌ها به سخنان و نظریات سایر صوفیه و عرفا و هم‌چنین آیات قرآن و روایات ارجاع دادیم که نشان‌دهنده ارتباط میان اخلاق عرفانی عطار با آنها به ویژه عرفا هست و اینکه اخلاق عرفانی وی متأثر از منابع مذکور است و در واقع در دل جریان عرفان اسلامی به ظهور می‌رسد و معنا می‌یابد. به همین دلیل نیز نظام اخلاق عرفانی که در این نوشتار از آن بحث می‌شود، تعمیم‌پذیر به کل عرفان اسلامی است.

ایضاح مفاهیم

با توجه به موضوع اصلی پژوهش - نظام‌مندی اخلاق عرفانی - در این بخش سه مفهوم اخلاق، اخلاق عرفانی و نظام‌مندی ایضاح و تعیین مراد می‌شود.

۱.۱. اخلاق

مراد از اخلاق، اخلاق هنجاری است. اخلاق هنجاری آن نوع تفکر یا شاخه از اخلاق است که دربارهٔ این مسائل سخن می‌گوید: اصول اساسی مربوط به خوب یا بد و درست یا نادرست اخلاقی چیست؟ چه عقاید و احوال و افعالی مشمول محمولات و مفاهیم اخلاقی مانند خوب یا بد، فضیلت یا رذیلت، درست یا نادرست، باید یا نباید و وظیفه می‌شوند؟ غایی‌ترین ارزش‌های زندگی چیستند؟ چه ویژگی‌هایی موجب می‌شود انسان اخلاقاً خوب و ارزشمند باشد؟ در پاسخ به این سؤالات است که مجموعه‌ای از توصیه‌ها و احکام هنجاری یا ارزشی شکل می‌گیرد و به انسان توصیه می‌شود چگونه باید زندگی کند.^۱

۲.۱. اخلاق عرفانی

عرفان نیز همچون فلسفه یا حکمت به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود. عرفان نظری به تفسیر هستی، یعنی خدا و جهان و انسان می‌پردازد و از هستی‌ها سخن می‌گوید، عرفان عملی یا اخلاق عرفانی وظایف انسان را با خدا و خود و جهان تبیین می‌کند و از «چه باید کرد» ها سخن می‌گوید، هر چند در این میان اصالت با ارتباط انسان با خداست.^۲ قیصری در تعریف عرفان به نحوی به این دو نوع علم عرفان اشاره می‌کند، یکی علم به خدا از حیث اسماء و صفات و مظاهر او و علم به احوال مبدأ و معاد و به حقایق عالم و کیفیت بازگشت آن به سوی حقیقت واحد یعنی ذات احدی است که همان عرفان نظری است؛ و دیگری معرفت طریق سلوک و مجاهدت برای خلاصی نفس از تنگناهای قیود جزئی و اتصال آن به مبدأ خود و انصاف به صفت اطلاق و کلیت است که همان عرفان عملی است.^۳ بدین ترتیب، اعمال سیر و سلوکی و معاملات قلبی سالک برای نیل به مقام فنا و مشاهده، عرفان عملی است و حقایق و تجربه معرفتی و شهودی او در مقام فنا عرفان نظری است. البته، علم عرفان عملی غیر از عرفان عملی است و در علم عرفان عملی از مجموعه‌ای از قواعد و دستورهای سخن می‌رود که اعمال و معاملات قلبی مطرح در عرفان عملی باید مطابق آنها انجام شود، چنان‌که علم عرفان نظری تعبیرهای عارف از مشاهدات اوست.^۴ چنان‌که فنّاری از عرفان نظری که به چگونگی ارتباط حق با خلق و پیدایش کثرت از وحدت حقیقی می‌پردازد، به «علم حقایق و مشاهده و